سومین کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی، علوم اسلامی
فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام
کرج– ۲۸ آذر ۱۳۹۸

بررسی مباحث ربا و قرض از منظر اسلام

رضا سورکیان
(دانشجوی رشته الهیّات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان –تهران)
دکترفاطمه‌گل عابدی
(مدرّس دانشگاه فرهنگیان –تهران)

چکیده

در مقاله پیش‌رو با استفاده ار روش توصیفی_تحقیقی به بررسی مباحث ربا و قرض از منظر اسلام در سه مذهب امامیّه، شافعی و حنفی پرداخته شده‌است و درنهایت با بررسی کتاب‌های آیات الاحکام و استخراج آیات مربوط به مسائل ربا و قرض و همچنین مطالعه و خلاصه برداری از تفسیر نمونه به عنوان یک تفسیر متعادل در جهت نگاشتن این مقاله گام برداشته شده است در این مقاله علاوه بر تعاریفی که هریک از مذاهب در مورد ربا و قرض بیان داشته‌اند به اقسام آن‌ها نیز، اشاره شده‌است در برخی موارد علّت حرام بودن ربا و یا آثار رباخواری نیز بیان شده است و یا در مواردی برای آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان با این مباحث مثال‌هایی ذکر شده‌است؛ نتیجه این مقاله این است‌که خوانندگان را با تعارف و انواع ربا و قرض در مذاهب مذکور آشنا می‌سازد و همچنین این افراد با خواندن این مقاله این مطلب را به خوبی درخواهند یافت که مسائل اختلافی در مذاهب اسلامی بسیار اندک است و حدود هشتاد درصد احکام ربا و قرض مطابق یکدیگر می‌باشد.

واژگان کلیدی: ربا_ قرض_ مذاهب اسلامی_ تفسیرنمونه

۱–مقدمه

ربا درلغت به معنای زیادی، رشد و نمو است.ربا اصطلاحی در شریعت اسلامی به معنی،گرفتن یک مال در عوض پرداخت مالی از همان جنس است به طوری که میزان یکی زیادتر از دیگری باشد.۶ آیه از آیات کلام الهی به موضوع ربا اختصاص یافته‌است؛این آیات عبارت‌اند از: (سوره روم آیه۳۹ –سوره بقره/۲۷۵_ بقره/۲۷۶_ بقره/۲۷۷_ بقره/۲۷۸_ بقره/۲۷۹)که با توجه به این آیات رباخواری حرام اعلام شده‌است. و می‌تواند آثار بدی به همراه داشته‌باشد.

در مقابل ربا،قرض وجوددارد که در اصل به معنای قطع کردن و بریدن مال است و از منظر اسلام قرض به معنای به مالکیّت درآوردن مال به دیگری است،به شرط این‌که وام‌گیرنده متعهد به بازگرداندن مال باشد اعّم از اینکه عین یا مثل و یا قیمت آن باشد. در قرآن کریم به مسئله ی قرض در کنار صدقه، انفاق، زکات و نماز پرداخته شده‌است؛ یعنی همان‌طور که نمازبرای تعالی روح وعروج معنوی انسان راه مناسبی است؛قرض نیز می تواند راه مناسبی برای این امر باشد البته باید اصول آن رعایت شود. (منظور،۸۹: ۵)ازجمله آیاتی که در قرآن به امر قرض پرداخته‌شده عبارت‌اند از: (سورهبقره/آیه ۲۴۵_ سوره مائده/آیه۱۲_ سوره حدید/۱۱ و ۱۸_ سوره مزمل/ آیه۲۰_ سوره تغابن/ آیه۱۷و...) که در ادامه به بحث و بررسی آن‌ها پرداخته‌می‌شود.

۱_۱مبانی تحقیق

۱-درباب قرض و ربا به دلیل تنوع و گستردگی مسائل و موضوعات،پژوهش های زیادی صورت گرفته‌است من‌جمله کتاب ربا و قرض در اسلام نوشته‌ی محمدحسین ابراهیمی که با دسته‌بندی مطالب و همچنین جامع‌نگری در مباحث و نیز به ریشه یابی مسائل قرض و ربا پرداخته شده بود.

۲- در کتب فقهی مذاهب چهارگانه اهل‌سنت وکتب فقهی امامیه نیز به جزء جزء این مسائل پرداخته شده‌است مِن‌جمله:کتاب فقه آسان در مذهب شافعی تالیف احمدعیسی عاشور و ترجمه دکترمحمود ابراهیمی

کتاب فقه احناف در پرتوی آیات قرآن و احادیث پیامبر(ص) ترجمه و شرح نورالایضاح تالیف علامه حسن بن علی شُرنبُلالی ترجمه ، تحقیق و شرح فیض محمد بلوچ

۳- کتاب‌های گوناگون تفسیر قرآن هم در اهل سنت و هم در تشیع وجود دارد که این مباحث را بررسی می‌کند.

۲_ بحث و بررسی

با توجه به آیات قرآن‌کریم درمی‌یابیم که خداوند ربا را در اسلام حرام اعلام کرده‌است.و همچنین برای کسانی‌که به برادران مسلمان خود قرض بدهند اجر بزرگی وعده داده شده‌است؛که این اصول مورد اجماع تمامی مسلمانان می‌باشد.امّا نکته مورد توجه این است که فقهاوعلمای مذاهب اسلامی برداشت‌های متفاوتی از آیات قرآن داشته‌اند؛و این خود باعث ایجاد اختلافاتی هرچند اندک در زمینه ربا و قرض شد؛که در ادامه به برر سی آن‌ها پرداخته‌می شود؛البته باید به این نکته توجّه‌دا شت که این مقاله باتوجه به شرایط مذهبی ایران شامل سه مذهب امامیه،حنفی و شافعی که اکثریت مسلمان آن را تشکیل می‌دهند؛تنظیم شده‌ا ست؛و برای نمونه در آخر این مقاله به تفسیرآیات مربوط به ربا و قرض ازنظر آیت‌الله نا صر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه پرداخته‌شده‌است.

۲_۱بررسی انواع ربا و قرض از نظر مذهب امامیه

ربا دو قسم است: ربای معاملی و ربای قرضی

۲ _۱_۱ ربای معاملی

این گونه ربا یا در معامله نقدین، یعنی درِهم در برابر درِهم یا دینار در برابر دینار تحقق می‌یابد یا در اجناس غیر نقدی و در معاملات پایاپای هرگونه زیادی در معامله‌ی همجنس و یا معامله‌ای که مشتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد؛ با فرض تحقق

شرایط خاص، ربای معاملی نامیده‌می شود. در ربای معاملی شخص (حقیقی یا حقوقی) به شخص دیگر کالایی می‌دهد و در مقابل مقدار بیشتری از همان کالا از وی می‌گیرد؛مقدار اضافه‌شده ربای معاملی نامیده‌می‌شود.

۲ _۱_۱_۱ در نقدین:هرگونه زیادی در معامله نقدین ربا و حرام ا ست؛ چنان‌که معامله نقدین بدون زیادی یکی بر دیگری به صورت نسیه نیز ربا محسوب می‌گردد.

۲_۱_۱_۲ در اجناس غیرنقدین:ربای معاملی در اجناس غیر نقدین با دو شرط تحقق می‌یابد:

۱:هر دو عوض از یک جنس با شند. معیار همجنس بودن، صدق یک ا سم بر هر دو ا ست، مانند گندم مرغوب و نامرغوب که هر دو را گندم می‌گویند. بنابر قول مشـهور، گندم و جو در حکم ربا یک جنس به شـمار می‌روند؛چنان‌که به نظر مشـهور، در حکم یاد شده هر فرآورده‌ای با ا صل خود یک جنس محسوب می شوند، مانند پنیر و شیر؛ همچنین ا ست دو فرآورده از یک ا صل، مانند پنیر و ما ست فراهم آمده از شیر لیکن اگر ا صل مختلف با شد، دو جنس شمرده می شوند، هرچند بر آن‌ها به اشتراک لفظی یک اسم صادق با شد، مانند گوشت‌گاو وگوشت‌گوسفند یا کبوتر و گنجشک که در مثال اوّل عنوان گوشت و در دوّم عنوان پرنده بر هر دو صادق است.(نجفی،قرن ۱۳ه.ق: ۳۴۷_۳۳۵)

۲: هر دو عوض، پیمانه‌ای یا وزنی معامله شوند. بنابر م شهور، ربا در معامله اجناس غیر پیمانه‌ای و وزنی مانند اجنا سی که با شمارش یا متر و یا مشاهده معامله می‌گردند، جریان ندارد.

در پیمانه یا وزنی بودن جنس

معیار در پیمانه‌ای یا وزنی بودن جنس چی ست؟ آیا عادت شرع ا ست؛ به این معنا که آنچه در ع صر پیامبر(ص) پیمانه ای یا وزنی معامله می‌شد،محکوم به پیمانه‌ای یا وزنی است، هرچند در دوران بعد در آن تغییر حاصل شده‌باشد؛ و آنچه در آن عصر پیمانه‌ای یا وزنی نبوده، محکوم به عدم آن اســت؛ هرچند در دوران بعد پیمانه‌ای یا وزنی شــده‌باشــد؟ یا این‌که ملاک عرف جامعه است؛ به این معنا که آنچه نزد مردم پیمانه‌ای یا وزنی معامله می شود، محکوم به آن است.(یزدی،۱۴۱۴ه.ق ، ج۱: ۳۲ و سبزواری،۱۴۱۱ه.ق، ج۱۷: ۳۱۶)

بر قول نخ ست ادعای اجماع شده ا ست. بنابر این قول، چنانچه پیمانه‌ای یا وزنی بودن جن سی در آن ع صر معلوم نبا شد، به عرف جامعه رجوع می‌شود و در صورت یکسان نبودن عرف جامعه، بنابر نظر مشهور متأخران، هر شهری حکم خود را دارد. از برخی، قول به ترجیح جانب حرمت و جریان حکم ربا در همه شهرها و از بعضی دیگر ترجیح جانب اغلب و در صورت تساوی، ترجیح جانب حرمت نقل شده است.(نجفی، قرن۱۳ه.ق، ج۲۳: ۳۶۲–۳۶۶)

اجناس در پیمانه‌ای یا وزنی بودن از اصـل خود تبعیت نمی‌کنند. بنابراین، در جنس غیر وزنی و پیمانه‌ای مانندپارچه که متری معامله می‌شود، ربا جریان ندارد؛ هرچند اصل آن، یعنی پنبه یا نخ، وزنی معامله شود.(خمینی،۱۳۷۲ه.ش،ج۱ :۳۶۳)

احکام ربای معاملی

در اینکه ربای معاملی به بیع اختصاص دارد یا شامل هر نوع معاوضه معاملی، مانند صلح می‌شود، اختلاف است. مشهور قول دوم است. معامله نقدین به نسیه، حتّی بدون فزونی یکی بر دیگری جایز نیست، لیکن اگر یکی از دو عوض، نقدین و دیگری غیر آن باشد، معامله آن دو به نسیه جایز است، چه با فزونی یکی بر دیگری و یا بدون آن. معامله دو همجنس پیمانه‌ای یا وزنی به نسیه بدون زیادی یکی بر دیگری جایز نیست؛ لیکن بنابر قول مشهور، معامله دو ناهم‌جنس به نسیّه با زیادی یکی بر دیگری جایز است.(نجفی، قرن۱۳ه.ق، ج۲۳:۳۴۴_۳۳۶)

در اینکه در معامله ربوی، تنها زیادی دریافتی، فاسد وباطل است یا علاوه بر آن، اصل معامله نیز مطلقاً باطل می‌گردد، خواه زیادی به عنوان جزء معامله با شد یا شرط آن، و یا اینکه در صورت جزء معامله بودن، موجب فسادآن خواهد شد، اختلاف است. قول دوم به ظاهرِکلماتِ فقها نسبت داده شده‌است.(یزدی،۱۴۱۴ه.ق، ج۱: ۵-۶)

قول معروف برای عدم بطلان معامله، تنها بازگرداندن زیادی دریافتی به مالک آن واجب است؛ لیکن بنابر قول به بطلان معامله، در اینکه باید هم زیاده و هم اصل را به مالکش برگرداند یا تنها زیاده را، مسئله محل بحث است. بر قول دوم ادعای اجماع شده است. البته در صورت جهل به حرمت ربا، آیا بازگرداندن زیادی واجب است یا نه؟ معروف بین متأخران وجوب آن است؛ لیکن برخی در فرض توبه شخص پس از علم به حرمت ربا، بازگرداندن زیادی را واجب ندانسته‌اند.(نجفی،قرن ۱۳ه.ق، ج۲۳: ۳۹۸_۳۹۷)

۲_۱_۲ ربای قرضی

ربای قرضی چه در زمان‌های گذشته و چه در عصر حاضر، رایج‌ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته‌است؛ به این صورت که فرد برای تامین نیاز مالی جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری، تقاضای قرض می‌کند و در ضمن عقد قرض متعهد می شود آنچه را می‌گیرد، همراه با زیادی برگرداند. در حقیقت ربای قرضی در نوع خاصی از عقد قرض تحقق می‌یابد که در آن شرط زیادی شده است؛در ربای قرضی، روند کار به این شکل است که شخص به شخص دیگر پولی را به صورت قرض می‌دهد که پس از زمان معین آن را به‌همراه مبلغی اضافی برگرداند. آن مبلغ اضافی که قرض‌دهنده (مُقرِض) هنگام دادن وام شرط می‌کند، از قرض‌گیرنده (مقترِض) علاوه بر اصل وام دریافت کند، ربای قرضی می‌گویند. در تحقق ربای قرضی فرق نمی‌کند مال قرض داده شده پیمانه‌ای باشد یا وزنی یا غیر آن. در اینکه با شرط زیاده، قرض ربوی و باطل می شود،در این‌جا قول اوّل مشهور است.»(یزدی، ۱۴۱۴ه.ق،ج۱: ۹_۸)

آنچه درباره بازگرداندن زیادی یا اصل و زیادی و نیز تفصیل بین علم به حرمت و جهل به آن در معامله ربوی مطرح شد، در ربای قرضی نیز جاری است؛بر قرض گیرنده دادن زیاده از آنچه قرض گرفته، در صورتی که شرط نشده باشد، مستحب است؛این قسم از ربا شرایط ربای معاوضه را ندارد؛ به‌همین جهت در ربای قرضی فرقی بین مکیل و موزون و معدود نیست. تنها رکن آن، شرط مقدار اضافی است که شرط شود، به‌هنگام بازگرداندن، چیزی اضافه بدهد خواه چیز اضافه از همان جنس باشد، یا جنس دیگر یا حتی خدمتی از خدمات باشد.(یزدی،۱۴۱۴، ج۱: ۱۲ و خمینی،۱۳۷۲،ج۱: ۶۵۴)

مستثنیات ربا

از حرمت ربا؛ خواه معاملی یا قر ضی، ا شخاص زیر ا ستثنا شده‌اند و حکم ربا بین آنان جاری نمی شود: پدر وفرزند؛ مولا و برده؛ زوج و زوجه؛ اعم از زوجه دائم و موقّت بنابر قول اکثر، بلکه مشهور؛همچنین گرفتن ربا از کافر حربی جایز است؛ لیکن دادن ربا به او برای مسلمان حرام است. بنابر قول مشهور، ربا گرفتن از کافر ذمی حرام است.

برخی گفته‌اند: ممکن ا ست مراد از نفی ربا بین مسلمان و کافر حربی این با شد که مال کافر حربی غنیمت مسلمانان به شمار می‌رود؛ از این‌رو، گرفتن آن از هر راه ممکن برای مسلمان جایز است، نه نفی آن از سنخ نفی ر با بین پدر و فرزند.(نجفی،قرن۱۳ه.ق،ج۲۳: ۳۸۳_۳۸۷)

۲_۱_۳ انواع قرض

اقتصاددانان قرض را نیز به دو نوع عمده قرض‌های مصرفی (استهلاکی) و قرض‌های تولیدی (تجاری یا انتاجی) تقسیم می‌کنند.

۲_۱_۳_۱ قرض مصرفی

قرض م صرفی، قر ضی ا ست که قرض‌کننده به هدف تامین نیازهای م صرفی قرض می‌کند؛ مانند خانواری که برای تهیه غذا، لباس، هزینه درمان، تهیه مسکن و مانند آن‌ها استقراض می‌کند.

۲_۱_۳_۲ قرض تولیدی

قرض تولیدی که به آن قرض سرمایه‌گذاری نیز می‌گویند، قرضی است که در آن، قرض‌کننده با هدف سرمایه‌گذاری و تامین سرمایه مورد نیاز جهت تاسیس، توسعه یا استمرار فعالیت اقتصادی استقراض می‌کند. تا حدود صد سال پیش، فقیهان اسلام، بین انواع قرض، تف صیلی قائل نبودند و با ا ستناد به عموم و اطلاق آیات و روایات، گرفتن زیاده (بهره) در هر نوع قر ضی را ربا و حرام می‌دانستند؛ امّا از حدود صد سال پیش، برخی رو شنفکران و عالمان اسلامی با استناد به شواهد و ادلّه‌ای بین این دو نوع قرض تفکیک قائل شدند.

آنان گرفتن بهره در قرض‌های مصرفی را ربا و حرام می‌دانند؛ امّا گرفتن بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری را ربا ندانسته و حرام نمی‌دانند. این نظریه ابتدا از سوی برخی‌اندیشه‌وران اهل سنت چون رشیدرضا، شیخ شلتوت، معروف الدوالیبی، مصطفی الزرقا، مطرح شد، سپس برخی از فقهای اهل تشیع نیز مطرح کردند، که البته بین فقهای شیعه عمومیت پیدا نکرد.(موسویان،۱۳۸۴ ،فصلنامه اقتصاد اسلامی شماره ۱۸: ۳۶–۴۰)

۲_۲بررسی مسئله ربا و قرض از نظر مذهب شافعی

۲_۲_ ۱ احکام معامله و ربا

در حدیثی پیامبر(ص) فرمودند: لَعَنَ اللّـــهُ آکِلَ الرِّبَا وَمُوکِلَهُ وَشَاهِدَهُ وَکَاتِبَهُ «خداوند لعنت کرده است بر کسی که رباخوار است و برکسی که ربا را می‌دهد و بر کسی که شاهد این معامله است و بر کسی که آن را می‌نویسد»(به روایت احمد و ترمذی و ابوداود و ابن ماجه).

درحدیث دیگری پیامبر(ص) فرموده است: معامله ربوی تنها در طلا و نقره و خوراکی‌ها حرام است.

«لا تَبِیْعُوا الذّهَبَ بِالذّهَبِ وَلَا الوَرَقَ بالوَرَقِ وَلَا البُـــرّ بِالبُـــرّ وَلَا الشّعِیرَ بِالشّعِیرِ وَلَا التّمْرَ بِالتّمْرِ وَلَا المِلْحَ بِالمِلْحِ إِلّا سَواءً بِسَواءٍ عَیناً بِعَینٍ یَداً بِیَدٍ وَلکِن بِیعُوا الذّهَبَ بِالوَرَقِ وَالوَرَقَ بِالذّهَبِ وَالبُرّ بِالشّعِیرِ وَالشّعِیرِ بِالبُرّ وَالتّمرَ بِالمِلحِ وَالمِلحَ بِالتّمرِ کَیفَ شِئتُم فَمَن زادَ أَوْ استزَادَ فَقَد أَرْبَی»

«طلا را به طلا و نقره را به نقره و گندم را به گندم و جو را به جو و خرما را به خرما و نمک را به نمک مفروشید مگر این که برابر و اصل و دست به دست و نقدی باشد، و لیکن طلا را به نقره و نقره را به طلا و گندم را به جو و جو را به گندم و خرما را به نمک و نمک را به خرما بفروشـــید هرگونه که می‌خواهید، هر کس زیاد کند یا زیادی طلبد به حقیقت مرتکب معامله ربوی شده است»(عاشور، ؟،ج۲: ۱۵۹_۱۵۸)

به روایت امام شـافعی. به موجب این حدیث فروختن طلا به طلا و نقره به نقره و فروختن خوراکی‌های متماثل هم‌دیگر حرام اسـت. مگر به سـه شـرط: تماثل هم بودن، و معامله به صـورت نقدی، و دریافتن در مجلس عقد معامله. این وقتی اسـت که معامله هم جنس با هم باشـد و جنس آن‌ها یکی باشـد، ولی اگر جنس یکی نباشـد مانند معامله طلا به نقره و گندم به جو ... تفاضـل و زیادی یکی بر دیگری جایز اسـت. چون پیامبر(ص) گفته اسـت: «هرگاه اجناس مورد معامله با هم اختلاف داشـته باشند این خرید و فروش را انجام بدهید به هر گونه که می‌خواهید مشروط بر این که دست به دست و حاضری باشد؛ به روایت مسلم پس در این صورت تنها دو شرط برای درستی آن لازم است: یکی اینکه معامله به صورت حال و حاضری باشد، و دیگری قبض و دریافت در مجلس عقد صـورت گیرد. و امّا فزونی یکی بر دیگری جایز اسـت. و هرگاه جنسـیت اجناس مورد معامله و علّت آن‌ها با هم اختلاف داشته باشد مانند فروش نقره (که نقد است) به گندم (که طعام است) و مس به پارچه در هیچ یک از این معاملات این چیزها (تماثل و حلول و تقابض) شرط نیست پس در آن‌ها معامله درست است خواه حال یا قرضی و با مهلت باشد و خواه برابر یا نابرابر باشند.(عاشور،؟ ،ج۲: ۱۵۹)

۲_۲_۲ اقسام ربا

معامله ربوی به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

اول: رباالفضل، (ربا با افزایش) و آن عبارت است از معامله دو چیز با هم که هر دو جنسشان یکی است؛ولی یکی از آن دو بیش از دیگری باشد، (مثل گندم به گندم که یکی ۲کیلو باشد و دیگری کمتر).

دوم: رباالید، و آن عبارت از آن است که دو چیز ربوی را با هم معامله کنند اگر چه جنسشان هم یکی نباشد با وجود تاخیر قبض و دریافت یکی از آن دو عوض،یا تاخیر هر دو.

سوم: رباالنسیئهٔ (ربا با تاخیر) و آن است که دو چیز ربوی معامله شوند با مدت و مهلت ولو این که این مهلت یک لحظه باشد.

چهارم: رباالقرض (معامله ربوی به صورت قرض) و آن عبارت از آن است که شخص به گونه‌ای به دیگری وام و قرض بدهد که منفعت و سودی برای قرض دهنده داشته‌باشد، و از این گونه معامله ربوی محسوب می‌گردد معامله ای که شخصی کالائی را به دیگری بفروشد مثلا به مدت یک سال که در این مدت مشتری از آن کالا نفع می‌برد، سپس اگر فروشنده بهای کالا را به مشتری باز پس داد کالا را به خویشتن بر می‌گرداند و اگر نتوانست در آن مدت بهای کالا را که دریافت کرده است برگرداند کالا ملک همیشگی مشتری می‌شود.(عاشور،؟،ج۲: ۱۶۰)

۲_۲_۳ علت حرام بودن معاملات ربوی

اول: معامله ربوی مقتضی آن است که کسی مال دیگری را بگیرد بدون دادن عوضی در برابر آن، چون کسی که یک درهم را به دو درهم نقد یا نسیه می‌فروشد درهمی را بدون دادن عوض گرفته‌است و مال هرکس محترم است بمانند خونش که جز با حق گرفته‌نمی‌شود. و پیامبر(ص) فرموده‌اند: «حُرْمَةُ مالِ الإِنْسانِ كَحُرْمَةِ دَمِه»«احترام مال انسان به منزله احترام خون اوست که نباید به ناحق گرفته شود»

پس گرفتن مال انسان بدون عوض حرام است.

دوم: معامله ربوی گروهی از مردم را از اشتغال به کسب باز می‌دارد؛و این کار سرانجام به انقطاع منافع مردم می‌انجامد، و بدیهی است که مصلحت و منافع مردم جز با کسب و کار از قبیل تجارت و صناعت و زراعت سرو سامان نمی‌گیرد و معاملات ربوی سرانجام همه این‌ها را به تعطّل می‌کشاند.

سوم: معاملات ربوی روابط خوب و احسان به همدیگر را در میان مردم از میان می‌برد و در نتیجه آن، کسی حاضر نمی شود که چیزی را به کسی دیگر قرض دهد مگر از طریق معامله ربوی و کسی حاضر نمی شود از کسی دیگر دستگیری کند، مگر در برابر ربا و افزون طلبی، و این کار موجب می‌شود که مردم به همدیگر پشت کنند و دستگیری و کمک به همنوع و احسان و خوبی با نیازمندان و بینوایان از میان می‌رود که نیازمندان به ناچار به وام گرفتن و معاملات ربوی روی می‌آورند.

چهارم: اغلب چنین است که وام دهنده، غنی و بی‌نیاز و وام گیرنده، نیازمند و فقیر است و روا بودن معاملات ربوی مسلّط کردن و قدرت دادن به اغنیاء است و بر فقیران و نیازمندان تا آنان را خوار کنند و ضعیف بشمارند و به استضعاف بکشند و اسیر نیازهای خود سازند، و این کار سزاوار رحمت خدا نیست پس ربا را حرام کرده است.

پنجم: علاوه بر همه دلایلی که گذشت حرام بودن معاملات ربوی به نص صریح قرآن و سنت ثابت شده است، پس واجب است که به حرام بودن آن قطع و یقین داشته باشیم.(عاشور،؟،ج۲: ۱۶۱)

۲_۲_۴ آثار ربا

از جمله آثار و نشانه‌های زشت و بد رباخواری آن است که خداوند تعالی آن را نابود می‌کند و آن را باقی نمی‌گذارد و برکت خویش را از این معاملات باز می‌دارد: ﴿يَمحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ﴾ البقرة: ۲۷۶«خداوند ربا را محو و نابود می‌سازد». و از دیگرآثار ربا آن است که این نوع معاملات انسان را از رحمت خدا دور می‌سازد، پیامبر(ص) فرموده است:

لَعَنَ اللّٰهُ آكِلَ الرِّبَا وَمُوكِلَهُ وَشَاهِدَهُ وَكَاتِبَهُ «خداوندا رباخوار و رباگیرنده و گواه ربا و کاتب و نویسنده ربا را لعنت و نفرین کرده است».پیامبر(ص) بر علیه آنان دعا و نفرین کرده است. و از جمله آثار ربا آن است که خداوند در سوره بقره آیه ۲۷۵فرموده است: رباخوار در روز رستاخیر دیوانه بر می‌خیزد همچون دیوانه ای که شیطان به وی رسیده و جن زده باشد.(عاشور، ؟،ج۲: ۱۶۲)

۲_۳ بررسی مباحث ربا و قرض از منظر فقه حنفی

۲_۳_۱ ربا (بهره،سود)

ربا در لغت به معنای مطلق «زیادت و فزونی» است؛ ولی در اصطلاح شریعت مقدّس اسلام، ربا به دو نوع تقسیم می‌گردد؛ ودر شریعت مقدّس اسلام هر دو نوع،حرام و ناروا می‌باشد؛ و در قرآن کریم و احادیث نبوی کیفر سختی در موردگیرنده و دهنده‌ی ربا وارد شده‌است.

۲_۳_۲ انواع ربا

۲_۳_۱_۱ربا القرض

ربا القرض عبارت از آن است که فردی چند درهم یا چند دینار به کسی قرض بدهد؛ آن‌گاه از شخص بدهکار بخواهد تا بیشتر از آن مقداری که برایش به قرض داده، بدو بپردازد.

۲_۳_۱_۲ربا البَیع

ربا البَیع عبارت از آن است که کالاهای وزنی یا پیمانه‌ای را با مقدار بیشتری از همان جنس، معامله نماید. (به عنوان مثال: معامله‌ی صد کیلو گندم از یک نوع در مقابل یکصد و ده کیلو از همان نوع، معامله‌ای ربوی و حرام است. یا معامله‌ی ۱۰۰ گرم طلای ۱۸ عیار با ۱۱۰ گرم از همان طلای ۱۸عیار، ربا و نامشروع می‌باشد)؛ و یا این که کالاهای وزنی یا پیمانه‌ای را با مقداری از همان جنس یا از جنسی دیگر، به صورت نسیّه بفروشد.(نیشابوری،۱۳۳۴_۱۳۲۹ه.ق،ج۴:حدیث شماره۲۹۷۱)

۲_۳_۱_۳ ربا النسیئة

ربا النسیئة آن ا ست که کسی از دیگری طلبی دارد، و زمانی که وقت بازپرداخت آن فرا می‌ر سد، خطاب به بدهکار بگوید: یا بدهکاری‌ات را پرداخت کن یا مبلغی را در مقابل تأخیر بازپرداخت به آن اضافه می‌نمایم. و این موضوع ممکن است بارها تکرار شود و مثلاً بدهکاری صد هزار تومانی به چند صدهزار تومان برسد.این گونه ربا، ربایی بوده که در دوران جاهلیّت پیش از اسلام بیشتر مرسوم بوده است.(قزوینی،۲۷۵_۲۰۷ه.ق،ج۲،حدیث۲۲۷۶_۲۲۵۷: ۷۶۴_۷۵۸)

مثال:مورد اوّل آن این اســت‌که هر نوع از آن مواد با همان نوع معامله بشــود؛ مانند: طلا در مقابل طلا، گندم با گندم و خرما با خرما به صورت غیرمساوی متفاضل

مثال:مورد دوّم آن این ا ست که هر نوع از آن‌ها با جنس و نوعی دیگر معامله شود. مانند: طلا در مقابل نقره، گندم با خرما، به صورتی که یکی از آنها موجود و حاضر و دیگری غیرموجود باشد.

مثال:مورد ســوّم آن این اســت که یکی از آن مواد و کالاها به طور مســاوی با نوع خود معامله شــود، امّا یکی از آن‌ها نسـیّه و غیرموجود و دیگری حاضر و موجود باشد.

۲_۳_۳ حکمت حرام بودن ربا

۱_محافظت از اموال و دارایی مردم در مقابل بیهوده از دست دادن آن.

۲_توجیه مردم مسلمان برای سرمایه‌گذاری در کارهای کشاورزی و صنعتی و تولیدی و تجارت مشروع که با حیله و خدعه آلوده نشود.

۳_پیشگیری از عوامل و کارهایی که زمینه‌ساز کینه و دشمنی در میان مردم هستند.

۴_پرهیز دادن مسلمانان از کارهایی که زمینه‌ساز گرفتار شدن در گرداب مصایب و مشکلات دنیا و عذاب آخرت باشند؛ زیرا رباخواری نوعی ســتمکاری اســت، و عاقبت ســتمکاران چیزی به جز ذلت و خواری و عذاب نیســت.(پایگاه اطلاع رســانی واسلاماه،بخش فقه و احکام، ۱۳ جولای ۲۰۱۳)

۲_۳_۴ احادیثی درباره‌ی ربا از پیامبر اکرم(ص)

ابوســعید خدری می‌گوید: پیامبر(ص) فرمودند: «الذهب بالذهب، والفضــۀ بالفضــۀ والبرّ بالبرّ والشــعیر بالشــعیر والتمر بالتمر والـملح بالـملح مثلاً بمثلٍ، یداً بیدٍ، فمن زاد او استزاد فقد اربی، الاخذ والمعطی فیه سواء» . «طلا به طلا، نقره به نقره، گندم به گندم، جو به جو، خرما به خرما، نمک به نمک، باید مثل هم و به طور مساوی و به صورت دست به دست مبادله شوند، پس آن که بر آن بیفزاید یا طلب افزونی نماید، به تحقیق ربا نموده است که در ربا،گیرنده ودهنده مساوی و یکسان است»

عبادۀ بن صامت می‌گوید: پیامبر ج فرمودند: «الذهب بالذهب والفضۀ بالفضۀ والبرّ بالبرّ والشعیر بالشعیر والتمر بالتمر والـملح بالـــملح مثلاً بمثل سواءً بسواء یداً بیدا، فاذا اختلف هذه الاصناف فبیعوا کیف شئتم اذا کان یداً بیدٍ». «طلا به طلا، نقره به نقره، گندم به گندم، جو به جو، خرما به خرما، نمک به نمک باید مثل هم و به طور مســاوی و به صــورت دســت به دســت مبادله شوند؛ هرگاه این انواع، مختلف بودند، آن‌ها را هر طور که خوا ستید بفرو شید به شرطی که د ست به د ست با شد (و نـسیّه نباشد)»(قزوینی،۲۷۵_۲۰۷،ج۲،حدیث۲۲۵۵: ۷۵۸)

۲_۴ بررسی نظر آیت اللهالعظمی مکارم شیرازی درباره‌ی ربا و قرض در تفسیرنمونه

تفسیر نمونه یکی از رایج‌ترین و مقبول‌ترین تفاسیر شناخته‌شده در مجامع مذهبی و علمی می‌باشدکه با ابتکار و اشراف استاد محقّق، حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی و با همیاری جمعی از فضلا و دانشمندان حوزهٔ علمیّه قم، به زبان فارسی تألیف و در ۲۷ جلد ارائه‌شـــده‌اســـت. این تفســـیر، تمامی آیات قرآن را دربردارد که به شـــیوهٔ ترتیبی از ابتدا تا انتهای قرآن را مورد بررسی قرار داده‌است.

روش این تفسـیر را می‌توان روش اجتهادی_تحلیلی و عقلی بازشـمرد که با مطرح کردن برخی مسـائل علمی روز، قدمی در تبیین بیشتر بعضی آیات برداشته‌است در کنار آن جنبه تربیتی خود را همچنان مدّنظر داشته و به تبیین دیدگاه‌های قرآن در این زمینه می‌پردازد در مسائل اختلافی شیعه و اهل سنّت نیز، سعی‌داشته روش تقریب را برگزیند و از مطرح کردن تعصّبات بی‌جا بپرهیزد.

ضمن دربرداشتن این خصوصیّات از تفسیر آیه به آیه برای توضیح بیشتر مضامین قرآنی بهره برده و نیز، در مقاطع مختلف با مطرح و نقل کردن روایات اهل‌بیت(ع)، در تبیین هرچه بیشتر آیات، تلاش نموده‌است. این تفسیر در طی مدّت ۱۵ سال از ۱۳۹۶ تا ۱۴۱۰ هجری قمری، تحقیق و تألیف گشته‌است.

مقاله پیش‌رو ضمن بررسی و خلاصه نویسی تفسیر آیات ربا و قرض که از تفسیر نمونه استخراج شده‌است این نکته را مدنظرقرار داده‌است تا برای آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان با این مفاهیم از ترجمه روان فولادوند نیز، بهره‌مند شده‌است.

آیات ربا

«سوره روم آیه ۳۹»

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾

ترجمه: و آنچه [به قصـــد] ربا می دهید تا در اموال مردم ســـود و افزایش بردارد نزد خدا فزونی نمی گیرد و[لی] آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزونی‌یافتگانند [و مضاعف می شود] (۳۹)

تفسیر: تفسیری که از همه سازگارتر و روشن‌تر با مفهوم آیه می‌باشد و نیز هماهنک با روایات اهل‌بیت می‌باشد این است‌که منظور هدایایی است‌که بعضی افراد برای دیگران مخصوصاً صاحبان مال و ثروت می‌برند؛به این‌منظور که پاداش بهتر و بیشتر از آن‌ها دریافت کنند و در این امرهیچ توجهی به شـایسـتگی ها و اولویّت‌های فرد نمی‌شـود؛ بلکه این هدیه‌ها صـرف جایی می شود که بتواند مبلغ بیشتری را صید کند و به دلیل این که فاقد اخلاص است فاقد ارزش اخلاقی می‌باشد.(مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ه.ش، ج ۱۱ :۴۴۴)

«سوره بقره آیه۲۷۵ تا ۲۷۹»

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّـــيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴿٢٧٥﴾

ترجمه: کسانی که ربا می خورند، (از گور) برنمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: (داد و ستد صرفاً مانند رباست.) و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آنِ اوست، و کارش به خدا واگذار می شود، و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (۲۷۵)

تفسیر: درقسمت اوّل آیه، خبط به‌معنای انسان دیوانه تفسیر شده‌است و این خود می‌تواند وجه اشتراک رباخواران با دیوانگان با شد در این بحث دو نظر وجود دارد؛ یک افراد ربا خوار هم‌چون دیوانگان فاقد تفکّر اجتماعی صحیح می‌با شند و آن‌ها جز پول به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. دو این افراد در هنگام رستاخیز هم‌چون مصروعان ودیوانگان محشور می‌شوند که اکثر مفسّران احتمال دوّم را قبول کرده‌اند.

قسمت دوّم از این آیه به منطق رباخواران اشاره شده‌است که می‌گویند؛ بین ربا و تجارت هیچ تفاوتی وجود ندارد و طرفین با اراده و اختیار این کار را انجام می‌دهند.

قسمت سوّم این آیه خداوند متعال این منطق آنان را تکذیب می‌فرماید و بیش از این به مسئله ربا پرداخته نمی‌شود.

قسمت چهارم از این آیه به بیان این مسئله می‌پردازد که هرکسی این پند و اندرز به او برسد باید اطاعت کند و از رباخواری خودداری کند البته نیاز نیست به گذشته خود برگردند و رباهایی که قبلاً انجام‌داده‌اند را بررسی کنند زیرا گذشته برآن‌ها مباح شده‌است.

قسمت پنجم به این نکته اشاره دارد که هرکس این اندرز به او برسد و از اطاعت آن سر، باز زند در آخرت باید منتظر عذاب الهی باشد که خالد و همیشگی است.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش، ج۲: ۲۷۲و۲۷۱)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۶﴾

ترجمه: خدا از (برکت) ربا می کاهد، و بر صدقات می افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی دارد. (۲۷۶)

تفسیر: در قسمت اوّل این آیه مُحق به‌معنای نابودی است ولی ربا به‌معنای رشد و نمو و از آن‌جایی‌که ربا حاصل دست‌رنج افراد زحمت‌کش می‌باشد و فرد رباخوار با گرفتن ربا از آنان باعث می‌شود که زندگی آنان نابود یا حداقل موجب کینه و دشمنی بین آن‌ها شود.

قسمت دوّم از این آیه، خداوند فیض انفاق را از رباخواران سلب می‌کند و آنان را در زمره کفّار می‌داند و این طبیعی است که خداوند چنین کسانی را دوست ندارد.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۲: ۲۷۳)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۲۷۷﴾

ترجمه: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۷۷)

تفسیر: این آیه به یک جهتِ مقابل رباخواران اشاره دارد که درآن افرادی خودپرستی را کنار گذاشته‌اند و علاوه‌بر به‌پای‌داشتن نماز بر پرداخت زکات می‌کو شند و در تلاش ه ستند تا اختلاف طبقاتی را ازبین ببرند که خداوند آنان را به آرامش کامل مژده می‌دهد.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۲: ۲۷۵و۲۷۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۲۷۸﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. (۲۷۸)

تفسیر: خداوند در این آیه افراد با ایمان را به تقوا و پرهیزگاری توصیّه می‌کند و بیان‌می‌دارد که اگر ایمان دارید؛ باقی‌مانده‌های مطالبات ربوی خود را بدست فراموشی بسپارید.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۲: ۲۷۷و۲۷۶)

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴿۲۷۹﴾

ترجمه: و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید. (۲۷۹)

تفسیر: در قسمت اوّل لحن قرآن کریم نسبت به مردم تغییر می‌کند و به آن‌ها اخطار می‌دهد که اگر دست از این کار برندارند و تسلیم حق نشوند؛ پیامبر ناچار است با توسّل به نیروی نظامی جلوی آن‌ها را بگیرد و این اعلان جنگ پیامبر به آن‌ها است.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۲: ۲۸۰و۲۷۹)

آیات قرض

«سوره بقره آیه ۲۴۵»

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۴۵﴾

ترجمه: کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد و به سوی او بازگردانده می شوید (۲۴۵)

تفسیر: قرآن می‌فرماید این کمک‌های مادّی خود را به‌عنوان قرض به خدا حساب کنید؛ قرض به آفریدگاری که تمامِ هستی ازآن‌او ست و همچنین هنگام ا سترداد این قرض چندین برابر آن‌را دریافت می‌کنید؛ خداوندی که مالک همه‌چیز ا ست از بندهٔ خود قرض می‌خواهد و آن‌هم قرضی که چند برابر آن را به او برمی‌گرداند و این کمال محبّت خداوند به مخلوق است و همچنین این نکته را بیان می‌کند که فکر نکنید با انفاق، اموال شما کم می‌شود بلکه چند برابرمی‌شود و خداوند می‌تواند درهای برکات آسمان و زمین را برای شما باز کند.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۲: ۱۶۲_۱۶۰)

«سوره مائده آیه ۱۲»

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿۱۲﴾

ترجمه: در حقیقت خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم و خدا فرمود من با شما هستم اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید قطعا گناهانتان را از شما می زدایم و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می آورم پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد در حقیقت از راه راست گمراه شده است (۱۲)

تفسیر: خداوند در این آیه همراهی خود را با قوم بنی‌اسرائیل با چند شرط اعلام می‌دارد که یکی از آن‌ها یک‌نوع قرض‌الحسنهٔ با خدا است که به آن‌ها وعده می‌دهد اگر آن را اطاعت کنند گناهان شان را می‌بخشد و به بهشت داخل شان می‌کند البته اگر اطاعت نکنند راه خلاف آن را پیموده‌اند.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۴: ۳۱۰)

«سوره حدید ۱۱و۱۸»

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿۱۱﴾

ترجمه: کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد (۱۱)

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿۱۸﴾

ترجمه: در حقیقت مردان و زنان صدقه دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده اند ایشان را [پاداش] دو چندان گردد و اجری نیکو خواهند داشت (۱۸)

تفسیر هر دو آیه: معنای نزدیک به هم دارند و به منظور تأکید برمسئله می‌باشد؛ به‌راستی تعبیر عجیبی است که خداوند که بخشندهٔ تمامی نعمات است و همه ذرّات وجود لحظه به لحظه از او کسب فیض می‌کنند ما بندگان را صاحبان اموال دانسته و درمقام گرفتن وام از ما برآمده و این قرض و وام را ده‌ها برابر یا صدها برابر به قرض دهندگان باز می‌گرداند و آنان را به پاداشی بسیار بزرگ بشارت می‌دهد.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۲۳: ۳۲۱)

«سوره مزمّل آیه۲۰»

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ

وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۰﴾

ترجمه: در حقیقت پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تواند نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را [به نماز] برمی خیزید و خداست که شب و روز را اندازه گیری می کند [او] می داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید پس بر شما ببخشود [اینک] هر چه از قرآن میسر می شود بخوانید [خدا] می داند که به زودی در میانتان بیمارانی خواهند بود و [عده ای] دیگر در زمین سفر می کنند [و] در پی روزی خدا هستند و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می نمایند پس هر چه از [قرآن] میسر شد تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است (۲۰)

تفسیر: خداوند بعد از این که آگاهی خود را نسبت به همه چیز و همه کس بیان می‌دارد و نیز، دستور می‌فرمایید، نماز بخوانید(نمازهای پنجگانه) زکات بپردازید(زکات واجب) و انفاق کنید (انفاق‌های مستحبّی) و استغفار کنید و مجموع این چهار دستور به‌علاوه دستور تلاوت و تدبّر در قرآن یک برنامه کامل برای خودسازی است درکه در تمامی زمان‌ها به‌خصوص در آغاز اسلام مورد توجه بوده است.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۲۵: ۱۹۸و۱۹۷)

«سوره تغابن آیه ۱۷»

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴿۱۷﴾

ترجمه: اگر خدا را وامی نیکو دهید آن را برای شما دو چندان می گرداند و بر شما می بخشاید و خدا[ست که] سپاس‌پذیر بردبار است (۱۷)

تفسیر: در این آیه با توجه به مطالبی که قبلاً در مورد قرض بیان شد؛ خداوند علاوه بر این‌که قرض‌گرفته شده را چندین برابر می‌کند و گناهان را می‌آمرزد؛ از قرض‌دهنده تشکّر می‌کند و او را گرامی می‌دارد و حتّی در روز قیامت نیز، در حسابرسی او بردباری می‌فرماید.(مکارم شیرازی،۱۳۷۲ه.ش،ج۲۴: ۲۱۱)

نتیجه‌گیری

این مقاله با بررسی مباحث ربا و قرض از منظر مذهب امامیّه، شافعی و حنفی به این مطلب می‌رسد که حدود۸۰ درصد احکام ربا و قرض عیناً یکی هستند و درآن ۲۰ درصد اختلافی، علمای هریک از مذاهب هرکدام بر اساس مبانی فکری خود نظری مستقل دارند؛ البته این نکته قابل ذکر است که در توضیح احکام فقهی نمی‌توان علایق خود را دخیل کرد یا نکته‌ای از آن کم یا نکته‌ای به آن اضافه نمود.

از آن‌جایی‌که تفاسیر مختلف هم از اهل سنّت و هم از تشیّع در باب قرآن کریم نگاشته شده‌است؛ می‌بایست تفسیری انتخاب می‌کردیم تا تفسیری باشد به دور از تعصّب مذهبی به همین‌منظور تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی را به عنوان یک تفسیر متعادل برگزیدیم این تفسیر از نوع اجتهادی_تحلیلی و عقلی می‌باشد؛ البتّه در برخی موارد برای توضیح بیشتر از روایات

اهل‌بیت(ع) نیز، استفاده شده بود.

با مطالعه و بررسی آیات مرتبط با ربا و قرض در تفسیر نمونه به نکته‌ای بسیار روشن اشاره می شود و آن این است‌که خداوند ابتدا درآیه ۳۹ روم که اوّلین آیه درباره ربا بود بیان داشت که رباخواری در پیشگاه خداوند امری پسندیده نیست و بعد از این آیه در آیات ۲۷۹_۲۷۵ سورهٔ بقره خداوند کم کم رباخواری را حرام اعلام می‌کند؛ همچنین بیان می‌دارد کسانی‌که این پند به آن‌ها برسد و اطاعت نکنند در آخرت عذابی سخت خواهند داشت ودر جهنّم جاودان خواهند بود.

همچنین در تفسیر آیات قرض این نکته روشن است‌که ابتدا خداوند قرض‌دادن به برادر مسلمان را امری پسندیده می‌داند سپس قرض‌دادن به مسلمانان را به منزله‌ی قرض‌دادن به خود می‌داند و بیان می‌دارد که این قرض را چندین برابر ادا می‌کند و به مال آن‌ها برکت می‌دهد و نیز، گناهانشان را می‌آمرزد و در قیامت در اعمال آن‌ها بردباری می‌کند و آن‌ها را مشمول رحمت بی‌کران خود می‌گرداند و برای آن‌ها نعمات بهشتی جاودان قرارمی‌دهد.

منابع

کتاب‌ها:

۱_ قرآن

۲_ سبزواری، سیدعبدالاعلی.(۱۴۱۱ه.ق). مهذّب الاحکام فی بیان حلال و الحرام.چاپ پنجم. قم:ایران. انتشارات دارالتّفسیر

۳_ عاشور، احمدعیسی.(؟).فقه آسان درمذهب امام شافعی.محمود ابراهیمی.(جلد۲)

۴_ قزوینی، ابوعبدالله محمدبن یزید.(۲۷۵_۲۰۷ه.ق). بیروت:لبنان.انتشارات دارالطباعه العامره

۵_ مکارم شیرازی، آیت الله ناصر.(۱۳۷۲ه.ش). تفسیر نمونه. چاپ یازدهم. قم:ایران. انتشارات دارالمکتب الاسلامیه (جلدهای۲_۱۶_۲۳_۲۴_۲۵)

۶_ موسوی الخمینی، سیّد روح‌الله. (۱۳۷۲ه.ش). تحریرالوسیله. تهران:ایران. انتشارات دارالعلم(جلد۲)

۷_ نجفی، محمدحسن. (قرن۱۳ه.ق). جواهرالاحکام فی شرح شرایع الا سلام جلد۲۳. علی آخوندی. چاپ هفتم. بیروت:لبنان. انتشارات دارالحیاء التراث العربی

۸_ نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۳۳۴_۱۳۲۹ه.ق). صحیح مسلم. اسماعیل بن احمد طرابلسی. بیروت:لبنان. انتشارات دارالطباعه العامره

۹_ یزدی، محمّدکاظم. (۱۴۱۴ه.ق). تکلمه العروه الوثقی. محمّدحسین طباطبایی. قم:ایران. انتشارات مکتبه الدّاوَریّ

مقاله‌ها:

۱_ موسویان، سیّدعبّاس.(۱۳۸۴ه.ش). «ربا در قرض‌های تولیدی». فصل‌نامهٔ اقتصاد اسلامی. دورهٔ پنجم. شماره۱۸. ۴۰

اینترنت:

۱_ www.vaislamah.com بخش فقه و احکام، ۱۳جولای ۲۰۱۳